



ایران به قدرت مهم نقش آفرین  
در جهان تبدیل شده است

صفحه ۲



اصل ۲۷ قانون اساسی را  
تفسیر کردیم

صفحه ۲

# مکتب حق مردم است مردم سالاری

دوشنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۱ - ۲۴ محرم ۱۴۴۴ - ۲۲ آگوست ۲۰۲۲ - سال بیست و یکم - شماره ۵۷۸۹ - ۱۲ صفحه - ۷۰۰۰ تومان

رئییسی: زندگی مردم را به هیچ عامل بیرونی گره نخواهیم زد

# دولتمردان به جای شعار، به فکر امضای توافق باشند

صفحه ۲

آیا سیاست بچه‌دار شدن با زور و اجبار، نتیجه می‌دهد؟

## رویای افزایش جمعیت با ممنوعیت فروش داروی ضدبارداری!

گروه اجتماعی - سعید تهرانی: تشویق زوجین به بچه دار شدن و افزایش جمعیت که با نصب بیلوردهای «فرزند بیشتتر، زندگی بهتر» شروع شده بود، با ممنوعیت فروش داروی ضد بارداری در داروخانه‌ها وارد فاز تازه‌ای شد تا در کنار بسیاری از مسائل اجباری، مردم در ایران بچه‌دار شدن با زور و اجبار را هم تجربه کنند...

صفحه ۴

واشنگتن:

## توافق قریب الوقوع نیست

✓ تقلاي کاخ سفید برای جلب رضایت تل آویو در باره احیای برجام

صفحه ۳

فرمانده پلیس تهران بزرگ:

## برنامه‌ای برای جریمه کردن «شهروندان بدحجاب» نداریم

اخیرا برخورد با آنچه بدحجابی نامیده می‌شود، وارد فاز جدیدی شده، فازی که علاوه بر تذکر لسانی، برای انوع پوشش‌ها، جرالمی تعریف شده است. در فضای مجازی اخباری در مورد میزان این جرائم منتشر شده که تاکنون تایید یا رد نشده است. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، گفته می‌شود که جریمه افتادن شال و روسری ۳۰۰ هزار تومان، کوتاه بودن مانتو ۱۵۰ هزار تومان، پوشیدن مانتو جلو باز ۱۰۰ هزار تومان...

صفحه ۶

دختر مغزمتفکر کرملین در نزدیکی مسکو کشته شد

## سوقصد نا کام راسپوتین

صفحه ۱۱



## آیین نکوداشت و رونمایی از آثار علامه استاد محمدرضا حکیمی

صفحه ۱

### سر مقاله



منصور انصاری

پوتین و تشکیلات نظامی او که با محاسبه‌های کمی و بدون در نظر گرفتن مقاومت مردم و ارتش ملی اوکراین، گمان می‌کرد در کمتر از یک هفته، چون کریمه می‌تواند اوکراین و پایتخت آن کیف را تسخیر و حکومت آن را در یک انتخابات به ظاهر دموکراتیک به یکی از دست نشانده‌های خود بسپارد، پس از بالغ بر ۱۸۰ روز جنگ تمام عیار در زمین و هوا، تصرفات جدیدی حاصل نکرده و حتی زمره‌هایی از سوسی ارتش اوکراین به گوش می‌رسد که در حال سازماندهی نظامی برای پس‌گیری شهر خرسون است، شهری که دارای اهمیت استراتژیک می‌باشد.

گذشته از آنچه در حوزه نظامی و درگیری‌های کم و بیش در این یس آن نقطه با پیشروی ای عقب‌نشینی روسیه، به راستی یا در فضای غیر واقعی تبلیغاتی از سوسی اوکراین یا روسیه گفته می‌شود، مهم ترین عامل تعیین کننده در این جنگ ناگهانی و غیر متعارف و بزرگترین درگیری نظامی در اروپا، نکته‌ای است که مورد غفلت روسیه قرار گرفت: عدم محاسبه نقش مردم و خواست آنان که آیا می‌پذیرند روسیه پوتین و طرفدارانش در اوکراین حکومت کنند یا نکنند؟ و با واقع این اکثریت مردم بودند که پوتین را پس زدند و به اشکال مختلف مقاومت‌های مردمی حاضر شدند خانه و کاشانه خود را ترک و جوانان و مردان خود را با نسل‌های مختلف به خط مقدم جبهه و مقابله با روسیه اعزام کنند. همواره در چنین وضعیت‌هایی دیکتاتورها کمتر روی مردم و نقش دوران‌ساز آنها توجه می‌کنند و در درگیری‌های نظامی غالباً توانایی‌های تسلیحاتی خود را مبنای محاسبه شکست یا پیروزی قرار می‌دهند؛ پس آنچه باید اتفاق افتد رخ داد، یعنی طولانی شدن جنگ روسیه با اوکراین و نوعی شکست راهبردی، گرچه هنوز سرنوشت این جنگ، به ویژه با فرا رسیدن پاییز و زمستان سرد و بحران کمبود انرژی‌های فسیلی و سوخت در اروپا که می‌تواند در معادله حمایت بی قید و شرط اروپا و آمریکا از زلنسکی تأثیرگذار باشد، مشخص نیست!

در واقع پوتین و وزیر قدیمی وزارت خارجه‌اش لاوروف، این نکته مهم و تعیین کننده در این جنگ را به دقت محاسبه نکرده بودند و آن حمایت

### «زاپوریژیا» دغدغه جهانی

تسلیحاتی کشورهای اروپایی، انگلستان و آمریکا با آخرین تجهیزات فوق مسدنر الکترونیکی برای بر هم زدن تعادل برتری هوایی روسیه با کمک موشک‌های میان برد زمین به هوا و سایر تجهیزات نظامی سنگین بر روی زمین در این جنگ کاهنده فرسایشی بود.

پوتین حساب نکرده بود که چنین حمایتی در این ابعاد از اوکراین صورت بگیرد و فکر می‌کرد که اگر هم انجام شود بسیار دیر هنگام خواهد بود زیرا براین گمان بود اوکراینی که خطوط مقدم جبهه‌اش در هم کوبیده شده و به زودی پایتختش سقوط خواهد کرد نمی‌تواند از این حمایت‌های تسلیحاتی به موقع بهره لازم را ببرد، اما این طور نشد و این محاسبه نادرست از آب درآمد؛ اوکراین مقاومت کرد و جنگ تا آنجا طولانی شد که تسلیحات اروپا، انگلستان و حتی آمریکا رسید و به کار گرفته شد.

حال با این توصیف که لاوروف در همان هفته‌های اول جنگ از احتمال درگیری هسته‌ای در اروپا سخن به میان آورد و البته با تکیه جهانی حتی از سوی متحدان خود مواجه شد و همانگونه که کارشناسان سیاسی و نظامی از آن به عنوان یک بلوف یاد کردند، به نظر می‌رسد یک تهدید برای ترسانیدن کشورهای اروپایی بود و نه عمل کردن به آن، ولی گویا پوتین با این اظهارات از زبان لاوروف، به یاد زرادخانه‌های اتمی اتحاد جماهیر شوروی سابق افتاده بود که برای مقابله با زرادخانه بر و پیمان آمریکا آماده هر گونه اقدام مقابله‌جویانه بود.

گرچه در همان زمان هم، محدودسازی جنگ‌افزار راهبردی طی پیمان‌های سال‌ت ۱ و ۲ مربوط به منع کاربرد سلاح‌های هسته‌ای برقرار شده بود ولی به هر حال، پوتین که در جنگ اوکراین نتوانست طی یک عملیات برق آسا به هدف تعیین شده خود برسد بر آن است با اتکا بر نظریه والتز که باور داشت «سلاح‌های هسته‌ای نه تنها باعث بی‌ثباتی بین‌المللی نمی‌شوند بلکه موجب می‌گردند منطق بازدارندگی با این سلاح‌ها در سطحی وسیع تر عمل کنند» را، دوباره در

سیاست خارجی و بین‌المللی روسیه به کار گیرد و لذا به این صرافت افتاده که برای رهایی از شرایط نامطلوب و غیر منتظره که در جنگ اوکراین برایش حاصل شد و به موضعی ضعیف تقلیل یافت به سمت نیروگاه هسته‌ای زاپوریژیا برود و تبدیل شدن آن به میدان جنگ هسته‌ای را یک بار دیگر به رخ اروپا بکشد.

### خبر

آیین نکوداشت و رونمایی از آثار مرحوم علامه استاد محمدرضا حکیمی، با حضور بزرگان عرصه فرهنگ و حکمت کشور در مؤسسه اطلاعات برگزار شد. به گزارش خبرنگار اطلاعات، در ابتدای این مراسم دکتر سید عباس صالحی مدیرمسئول روزنامه اطلاعات و شاکرد قدیمی استاد علامه حکیمی، ضمن خیر مقدم به مهمانان حاضر در این مراسم، طی سخنانی اظهار کرد: مرحوم استاد علامه حکیمی، بی‌نیاز از توصیف است؛ فردی که دایره وسیعی از بزرگان، به تجلیل و توصیف وی پرداخته‌اند. او شخصیتی است که قبل از سسی سالگی‌اش، مرحوم علامه امینی از او به عنوان «العلامه الجلیل» یاد کرد و مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی، در اجازاتی که به او داد، او را «استاد محقق ماهر و ادیب» خواند و سیدجمال آشتیانی، با همه تفاوت سلاقی و نگاه‌ها در پاره‌ای از حوزه‌ها، در مصباح‌الهدایه‌ای که به علامه حکیمی تقدیم کرد، او را «دانشمند بسیاریان و محقق» توصیف کرد. اخوان ثالث در قصیده‌ای که در شهریور ۱۳۴۰ برای حکیمی سرود، تعبیرش برای استاد این است: «سربدار ایام ما، شاعر پرشور پاکدل». دکتر شفیعی کدکنی او را به عنوان «دوست شاعر و دانشمند و راوی حماسه تشیع در روزگار ما» می‌شناخت و گویا در شعری که او «مرد آگاهی و ایمان، اخلاص و تقوا، آزادی و ادب، دانش و دین» لقب داد.

وی افزود: مرحوم حکیمی را از درپچه‌های مختلف می‌شود دید و تعریف کرد. او داعای گرو اوبور بود. نمی‌توانم مطالعه کنم اما همان تعبیر «عیش وحده و بیعت وحده و بیعت وحده» به گونه‌ای که زندگی علامه حکیمی متجلی است. حکیمی شبیه هیچ‌کس نبوده؛ او خود بود و خود. نمی‌توانیم او را با نحله‌ای، جریانی و فردی، مشابه ببینیم. می‌توانیم او را از آن‌چه حکیمی بود و نبود را در حد گویاها و سوسوم عالم جدید و شیوه صرف آن به تیر می‌گوییم. صالحی گفت: حکیمی هم نوگرا بود، هم سنت‌گرا و نه نوگرا بود و نه سنت‌گرا. بسیاری از گفته‌ها و نوشته‌های او را می‌توان شاهدهی آورد برای این ترکیب متمایزی که او سنت‌اندیشی نوگرایانه یا نوگرایی سنت‌اندیشانه داشت.

**پاکی و دانایی و راستی در حرکات و گفتار**  
در ادامه این مراسم دکتر رضا داوری اردکانی، استاد فلسفه و رئیس فرهنگستان علومگفت: من از اوان جوانی، مرحوم حکیمی را که به علم و فضل و ذرد و رفیق قافله هست و سعی می‌کند با یک بازگری دو سره، موقعیت و منافع خودش را به بهترین شکل ممکن تأمین کند، ولی به هر حال تلاش‌هایش برای پایان جنگ را می‌توان مثبت ارزیابی کرد.

دیگر شغل روحانی ندارم. وی ادامه داد: تفکیک میان دین و فلسفه این نیست که فیلسوف کاری به دین نداشته باشد و دیندار گرد فلسفه نگردد. این حکم در مورد فلسفه و دین و سیاست هم جاری است. اتفاقاً یکی از حوادث مهم زمان ما، نسبت تازماری است که در دویست سال اخیر میان دین و فلسفه و سیاست پدید آمده است. این سه از حیث ماهیت با یکدیگر متفاوتند اما دخالت آنها در یکدیگر و درهم آمیختن گهگاهی آنها در هم، قابل انکار نیست. دین و فلسفه و سیاست سه چیزند اما در زمان ما چنان شده است که هیچ‌یک از آنها نمی‌توانند به نظم جهان نظر نداشته باشند. جهان قبل از مدرنیته، نظمی کمابیش ثابت داشت و در آن جای چیزها و کارها و کسان تا حدودی معین بود و مسائل و علایق هم کمتر تغییر می‌کرد. وقتی جهان جدید به‌وجود آمد و قوام یافت، نظم تازماری پدید آمد. این نظم در مرزهای اروپای غربی محدود نماند، زیرا دارای نیروی بسط و انتشار بود و به همه جهان دست انداخت و با شرق‌شناسی، فرهنگ‌های قدیم را به امری بیرون از تاریخ و متعلق به گذشته تبدیل کرد. با این پیش‌آمد، نظام‌های قدیم دست‌خوش اختلال شدند. در نظام جدید، دین از دخالت در کار نظم‌بخشی جهان معاف شده بود و شیوه صرف آن به فلسفه و سیاست و علم به عهده گرفته بودند. استعمار کوشید که نظم جهان جدید را جهانی کند و تا حدودی در این راه پیش رفت؛ اما پیشرفتی که در طریق سهیم ساختن جهان قدیم در مدرنیته نبود. قدرت‌های سیاسی جهان جدید می‌خواستند نظم جهان قدیم را از میان ببرند اما نمی‌خواستند نظم تجدد جایگزین آن شود. استعمار، مظهر این خواست و نخواستن بود، ولی هرچه بود، علم و تکنولوژی و رسوم عالم جدید و شیوه صرف آن به همه جا راه یافت. وقتی مدرسه و تعلیمات همگانی و علوم و صنعت و بروکراسی به شیوه جدید آمد، جای چیزها و مقام اشخاص و ترتیب کارها تغییر کرد و مردم در برابر آبندهای نامعلوم قرار گرفتند. این تحول، انسان را برآن می‌داشت که به نظم تازه بیندیشد. در اروپای جدید، فرهنگی مظهر نظم جهان جدید بود که بیشتر از فلسفه و علم و تا حدودی از سنن قدیمی بهره می‌گرفت اما دین را شریک خود در نظم‌بخشی به کار جهان نمی‌کرد. جهان قدیم به آسانی نمی‌توانست و نمی‌خواست که این فرهنگ را از آن خود کند، به‌ویژه که در این جهان، دین نیز حضوری قوی داشت. مدرسه و دانشگاه و علم و بروکراسی هم نیامده بودند که دین را از دخالت در کارها بازدارند ولی متأسفانه، ضرورت صورت‌بخشی به نظم تازماری که جهان نیاز داشت، چنان که باید درک نشد. جهان قدیم، علوم جدید را از اروپا و آمریکا فرامی‌گرفت. فلسفه هم در کمترجایی از این جهان وجود داشت و اگر فلسفه هم بود، که البته فقط در ایران بود، بیشتر به اثبات حقایق ثابت اهتمام می‌کرد و به کار جهان و نظم زندگی علاقه‌ای نداشت. پس سیاست می‌بایست ادای ایمن وظیفه بزرگ را عهده‌دار شود و چنین هم شد. در این سیاست، گاهی دین هم شریک بود زیرا نمی‌توانست به تغییری که در نظم و شیوه

زندگی پدید آمده بود، بی‌نظر باشد. این بود که دین و سیاست به هم نزدیک شدند. اینجا و اکنون به نتایج این نزدیکی کاری ندارم. حادثه مهم، رو کردن دین به سیاست، در زمانی است که مدام دگرگون می‌شود و مدیریت آن، جز با بیداری و آگاهی از وضع جهان، میسر نیست.

**غمش، غم مردم بود**  
در ادامه، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا حجتی کرمانی با گرامیداشت یاد علامه حکیمی و همچنین سیدمحمود داعی، بیان کرد: سابقه آشنایی من با مرحوم حکیمی و مرحوم داعی از همه شماها بیشتر است. من سال ۳۲ به مشهد رفتم و با برادر چند ماهی در مدرسه نواب ساکن بودیم و آنجا با مرحوم حکیمی آشنا شدم. آشنایی‌ام با مرحوم داعی هم به سال‌های ۲۷ و ۲۸ در کرمان برمی‌گردد و از دهه ۴۰ در آغاز نهضت انقلاب با او همکاری داشتم. او روزنامه اطلاعات را در این چهل سال، به وجه ممتاز و منحصرفردی اداره کرد. او خود یک آدم منحصربه‌فرد بود و با اینکه در قلب سیاست و جامعه و روزنامه‌نگاری بود، اما ویژگی‌هایی داشت که در کمتر کسی سراغ داریم. وی ادامه داد: بعد از کودتای ۲۸ مرداد و فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی، من از دور با آثار حکیمی آشنایی پیدا کردم ولی چند صاخی هم از نزدیک در خدمت وی بودم. می‌دیدم که غمش، غم مردم بود. در سال‌های اخیر تمامی وجودش رنج بود و می‌گفت چرا انقلاب ما بسا این خصومت‌ها، ولنگاری‌ها، نادانی‌ها و ندانم‌کاری‌ها به این روز افتاده است؟ او می‌گفت که روزی زیر پل سیدخندان ناظر بودم که یک جاروکنش نان خشک را در آب زد تا بتواند آن را بخورد. او با حسرت و تأثر زیاد می‌گفت که آیا ما برای این انقلاب بریم؟

### عقل‌ورزی در سنت دینی

در این مراسم دکتر محمدتقی سبحانی، استادیار دانشگاه، اظهار کرد: بررسی شخصیت‌ها را دست‌کم از دو زاویه می‌توان دنبال کرد: یکی نگاه به تولیدات و فرآورده‌های اندیشه آنها و زاویه دوم، سبزه‌هایشان در اندیشیدن و گشودن راه‌ها و افق‌هایشان. بسیاری از اندیشمندان را می‌شناسم که آثار فراوانی را تولید می‌کنند اما تجربه‌های معرفتی چندانی ندارند. پاره‌ای از اندیشمندان هم هستند که تجربه شخصیت متعالی بسازند. باید ببینیم استاد حکیمی چه تجربه‌هایی برای زیستن ما در عصر جدید پدید آورده است؟ حکیمی در عین حال که در درون به سنت وحیانی و دینی معتقد بود، با روشنفکرترین صاحبان اندیشه‌ای که هیچ نسبتی با فکر و فرهنگ دینی نداشتند نشست و برخاست می‌کرد.

ادامه در صفحه ۲

پایگاه خبری مردم‌سالاری آنلاین

www.mardomsalari.ir



روزنامه مردم سالاری

www.mardomsalari.ir/newspaper

